



جزوه کنکوری

مرجع : جزوه رایگان کنکوری و درسی



@DaneshSad

☆ ویژه تجربی و ریاضی

خلاصه قواعد عربی

پایه: دهم ، یازدهم ، دوازدهم

آیدی کانال ما در تلگرام : [@DaneshSad](https://t.me/DaneshSad) ID :

به تفکیک درس



گروه عمومی

خلاصه قواعد عربی دهم (عمومی)

جدول صیغه‌ها					
نوع	جنس	صیغه	ماضی	مضارع	ضمیر متصل
فاعل	مذکر	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	هـ
		هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	هُمَا
		هُم	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	هُم
	مؤنث	هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	هَا
		هُمَا	فَعَلْتَا	تَفْعَلَانِ	هُمَا
		هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	هُنَّ
مخاطب	مذکر	أَنْتَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	كَ
		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	كُما
		أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	كُم
	مؤنث	أَنْتِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	كِ
		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	كُما
		أَنْتِنَّ	فَعَلْتِنَّ	تَفْعَلْنَ	كُنَّ
مذکر و مؤنث	أَنَا	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	ي	
	نَحْنُ	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	سنا	

🔹 جدول فوق معروف به جدول صیغه‌ها است. صیغه‌ها همان ضمائر عربی هستند که هر کدام یک فعل ماضی و مضارع خاص به خود دارند.

🔹 فعل مضارع دو ویژگی دارد: اول آن که در ابتدای خود حروف مضارعه دارد (آتین) و در آخر خود یا ـُ دارد یا «ن» (مرفوع می‌باشد).

❖ فعل امر

همان فعل دستوری در زبان فارسی است که در عربی بر دو نوع است:

۱ امر حاضر که برای صیغه‌های مخاطب است:

- ۱) مضارع را می‌نویسیم: تَكْتُبُ (می‌نویسی)
- ۲) حرف مضارعه را حذف می‌کنیم: كُتُبْ
- ۳) اگر حرف بعدی ساکن بود به ابتدای فعل یک همزه اضافه می‌کنیم. حرکت همزه براساس حرکت عین‌الفعل تعیین می‌گردد: اُكْتُبْ

حرکت همزه	حرکت عین‌الفعل
َ	ُ
ِ	ِ

- ۴) فعل را مجزوم می‌کنیم: اُكْتُبْ (بنویس)

۲ امر باللام

- ۱) مضارع را می‌نویسیم: يَكْتُبُ (می‌نویسد)
- ۲) به ابتدای فعل مضارع «لِ» اضافه می‌کنیم: لِيَكْتُبْ
- ۳) مضارع را مجزوم می‌کنیم: لِيَكْتُبْ (باید بنویسد)

توجه: فعل مضارع به سه روش مجزوم می‌شود:

- ۱) اگر آخر فعل ُ باشد، تبدیل به َ می‌شود.
- ۲) در جمع مؤنث (يَفْعَلْنَ - تَفْعَلْنَ) تغییری رخ نمی‌دهد.
- ۳) در سایر صیغه‌ها نون حذف می‌شود.

خلاصه قواعد عربی دهم (عمومی)

❖ اسم از لحاظ جنس

اسم از لحاظ جنس

- مذکر ← بر جنس نر دلالت دارد.
- مؤنث ← بر جنس ماده دلالت دارد.

❖ نشانه‌های مشهور اسامی مؤنث است.

اسامی مؤنث
بی‌نشانه

- شهرها و کشورها ← طهران - کویت و ...
- برخی اعضای زوج بدن ← اُذُن - عَین - یَد - رِجْل
- برخی اسامی حفظی ← شمس - اَرْض - نَفْس - رَوْح
- حَرْب - رِیح - نار - بَثْر و ...

❖ اسم از لحاظ عدد

اسم

- مفرد ← بر یک فرد یا یک شیء دلالت دارد: مُعَلِّم - مُعَلِّمَة
- مثنی ← بر دو فرد یا دو شیء دلالت دارد: مُفْرَد + اِنِ / اِنِ
- معلمان - معلّمین
- معلمتان - معلّمَتین

جمع

- مذکر ← مفرد + وْن - یَنْ / معلّمون - معلّمین
- مؤنث ← مفرد + ات / معلّمات
- سالم

❖ فرمول ندارد و بر وزن‌های مشهوری به کار می‌رود

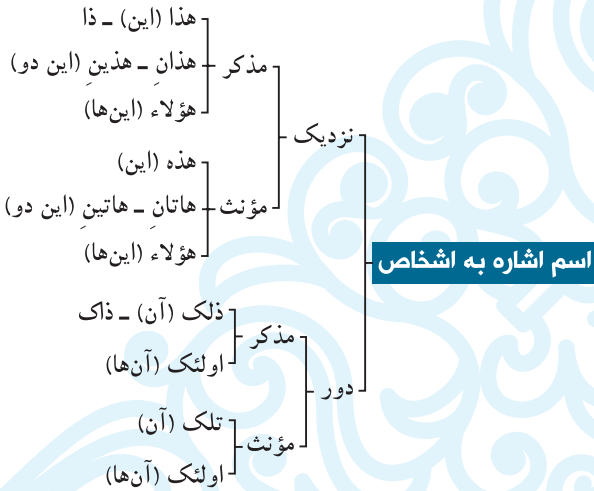
مکسّر

- فُعْل (کُتِبَ) - أفعال (أشجار) - مَفَاعِل (مساجد)
- مفاعیل (مشاهیر) - فُعلاء (علماء) و ...

خلاصه قواعد عربی دهم (عمومی)



❖ اسم‌های اشاره



خلاصه قواعد عربی دهم (عمومی)

اسم اشاره به مثنی دور جزء مباحث درسی ما نمی‌باشد.



گاهی اوقات «هناک» در ابتدای جمله «وجود دارد» یا «هست» معنی می‌شود.

هناک تلمیذ فی الصّف: دانش‌آموزی در کلاس وجود دارد.



اصلي ← يك - دو - سه ...

اعداد در عربي بر
دو قسم مي باشند

ترتیبی ← اول - دوم - سوم ... اولین - دومین ...

جدول اعداد					
عُقود		ترتیبی		اصلي	
۲۰	عِشْرُونَ	م۱	الأوّل	۱	واحد
۳۰	ثلاثونَ	م۲	الثّاني	۲	إثنان
۴۰	أربعونَ	م۳	الثّالث	۳	ثلاثة
۵۰	خَمسونَ	م۴	الرّابع	۴	أربعة
۶۰	سِتّونَ	م۵	الخامس	۵	خَمسة
۷۰	سَبْعونَ	م۶	السّادس	۶	سِتّة
۸۰	ثمانونَ	م۷	السّابع	۷	سَبعة
۹۰	تِسعونَ	م۸	الثّامن	۸	ثمانية
		م۹	التّاسع	۹	تِسعة
		م۱۰	العاشر	۱۰	عَشرة
		م۱۱	الحادي عشرَ	۱۱	أحدَ عشرَ
		م۱۲	الثّاني عشرَ	۱۲	إثنا عشرَ
		م۱۳	الثّالث عشرَ	۱۳	ثلاثة عشرَ
		م۱۴	الرّابع عشرَ	۱۴	أربعة عشرَ
		م۱۵	الخامس عشرَ	۱۵	خَمسة عشرَ
		م۱۶	السّادس عشرَ	۱۶	سِتّة عشرَ
		م۱۷	السّابع عشرَ	۱۷	سَبعة عشرَ
		م۱۸	الثّامن عشرَ	۱۸	ثمانية عشرَ
		م۱۹	التّاسع عشرَ	۱۹	تِسعة عشرَ
		م۲۰	العشرون	۲۰	عِشرون

خلاصه قواعد عربي دهم (عمومي)



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ وَالرَّابِعُ

فعلها در عربی اکثراً دارای سه حرف اصلی هستند لذا به این فعلها «ثلاثی» می‌گویند، یعنی «سه تائی». اگر فعل ماضی «هو» در این فعلها حرف زائد نداشته باشد (هو عَلِمَ) به آن ثلاثی مجرد (فعل‌های گروه اول) می‌گویند. اما اگر ماضی «هو» حرف زائد داشته باشد به آن ثلاثی مزید (فعلها گروه دوم) می‌گویند، مثل «هو تَعَلَّمَ» که علاوه بر سه حرف اصلی «ع ل م» حروف زائد «ت» و «تکرار عین الفعل» را دارد. فعل‌های ثلاثی مزید بر وزن‌های خاصی می‌آیند و در جدول زیر آمده‌اند. اگر فعلی بر این وزن‌ها نباشد، ثلاثی مجرد است.

خلاصه قواعد عربی دهم (عمومی)

حروف زائد	مصدر	أمر	مضارع	ماضی
أ	إفْعَال	أفْعُلْ	يُفْعِلُ	أفْعَلْ
تکرار عین العفل	تَفْعِيل	فَعَّلْ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ
الف	مُفَاعَلَة	فَاعِلْ	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
ت - الف	تَفَاعُلْ	تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَ
ت - تکرار عین الفعل	تَفَعُّلْ	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ
إ - ت	إِفْتِعَال	إِفْتَعِلْ	يِفْتَعِلُ	إِفْتَعَلَ
إ - ن	إِنْفِعَال	إِنْفَعِلْ	يِنْفَعِلُ	إِنْفَعَلَ
إ - س - ت	إِسْتِفْعَال	إِسْتَفْعِلْ	يَسْتَفْعِلُ	إِسْتَفْعَلَ



انواع جمله

فعلیة ← با فعل شروع می شود. يَذْهَبُ عَلَيَّ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

إسمية ← با اسم شروع می شود. عَلَيَّ يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

ارکان اصلی جمله فعلیه ← فعل + فاعل + مفعول

البته گاهی اوقات برخی از جمله‌ها مفعول ندارند. در فارسی به این جملات «لازم» می‌گویند و اگر جمله‌ای مفعول داشته باشد «متعدی» می‌گویند:

مثال: كَتَبَ التَّلْمِيزُ رِسَالَةً. (دانش آموز نامه‌ای نوشت.)
فعل فاعل مفعول

ذَهَبَ التَّلْمِيزُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. (دانش آموز به مدرسه رفت.)
فعل فاعل

ارکان اصلی جمله اسمیه ← مبتدا + خبر

مثال: التَّلْمِيزُ كَتَبَ الرَّسَالَةَ. ← (دانش آموز نامه را نوشت.)
مبتدا خبر

خبر گاهی می‌تواند یک اسم، یک فعل یا جار و مجرور باشد:

مثال: التَّلْمِيزُ نَشِيطٌ. التَّلْمِيزُ ذَهَبَ. التَّلْمِيزُ فِي الصَّفِّ.
خبر خبر خبر

در عربی مانند فارسی دو ترکیب وجود دارد:

اضافی ← هرگاه دو اسم به هم اضافه شوند که دلالت بر مالکیت داشته باشند و دوّمی، اولی را توصیف نکند:

کتابُ التَّلْمِيزِ (کتاب دانش آموز)
مضاف مضاف‌الیه

ترکیب

وصفی ← هرگاه دو اسم به دنبال هم بیایند که دوّمی، اولی را توصیف کند:

کتابٌ مَفِيدٌ (کتابی مفید)
موصوف صفت



الدّرسُ السّادِسُ 

معلوم ← فاعل مشخص است: (علی در را زد!)

فعل از لحاظ مشخص
بودن فاعل

مجهول ← فاعل مشخص نیست: (در زده شد!)

برای مجهول کردن فعل‌ها باید توجه داشته باشیم که فعل ماضی و مضارع هر کدام به شیوه خاصی در زبان عربی مجهول می‌شوند:

روش مجهول کردن ماضی

- عین الفعل را مکسور (ـِ) می‌کنیم.
- کلیه حروف غیر ساکن قبل از عین الفعل را مضموم (ـُ) می‌کنیم:
إِسْتَخْرَجَ (استخراج کرد) ← أُسْتُخْرِجُ (استخراج شد)

روش مجهول کردن مضارع

- عین الفعل را مفتوح (ـَ) می‌کنیم.
 - فقط حرف مضارعه را مضموم (ـُ) می‌کنیم:
يَسْتَخْرِجُ (استخراج می‌کند) ← يُسْتَخْرِجُ (استخراج می‌شود)
- تمام فعل‌های مجهول در کتاب درسی با (ـُ) شروع می‌شوند اما هر فعلی که با (ـُ) شروع می‌شود مجهول نیست مثل يُفْعَلُ، يُفَعَّلُ، يُفَاعَلُ، با این که با (ـُ) شروع شده‌اند معلوم‌اند چون حرکت عین الفعل آن‌ها فتحه (ـَ) نیست.
- تمام فعل‌های ماضی‌ای که با (ـُ) شروع می‌شوند، حتماً مجهول‌اند.
- در ترجمه فعل‌های مجهول از فعل «شدن» استفاده می‌شود.

خلاصه قواعد عربی دهم (عمومی)

عبارت‌هایی مانند «به مدرسه»، «از کتاب» و ... در فارسی از حرف اضافه و متمم تشکیل یافته‌اند. در عربی نیز چنین ساختاری وجود دارد که به آن جار و مجرور می‌گویند.

حرف جر + مجرور به حرف جر = جار و مجرور

مثال: أَذْهَبُ إِلَى الْبَيْتِ! (به خانه می‌روم)

حرف مجرور به حرف متمم
جر حرف جر اضافه

جار و مجرور

حروف جر بسیار پرکاربرد هستند و گاهی بیش از یک معنی دارند که در جدول زیر آمده است.

حرف جرّ	ترجمه فارسی	مثال
مِنْ	از	أَرْجِعُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ ظُهْرًا!
فِي	در	أَنَا أَجْتَهِدُ فِي حَيَاتِي!
إِلَى	به	ذَهَبْتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ!
	به سوی	ذَهَبْتُ إِلَى أَبِي!
عَلَى	تا	قَرَأْتُ الدَّرْسَ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ!
	روی	جَعَلْتُ كِتَابِي عَلَى الْمِنْضَةِ!
لِـ	بر ضدّ (زیان)	يَوْمَ لَنَا وَ يَوْمَ عَلَيْنَا!
	برای	الدَّهْرُ يَوْمَانِ: يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ!
عَنْ	از آن (مال)	هَذَا الْكِتَابُ لِأَخِي!
	داشتن	لِحَمِيدٍ جَوَّالٍ جَدِيدٍ!
بِـ	از	سَأَلَ الْمَعْلَمُ عَنْكَ!
	درباره	مَاذَا تَعْلَمُ عَنِ الدَّلَافِينِ؟!
كـ	به دنبال	لَا تَبْحَثْ عَنِ السَّعَادَةِ فِي التَّشَاوُمِ!
	بوسیله (با)	كَتَبْتُ بِالْقَلَمِ!
كـ	در	سَاعِدْكُمْ بِالْحَيَاةِ!
	مانند (همچون)	أَنْتَ كَالجَبَلِ فِي الْإِسْتِقَامَةِ!

خلاصه قواعد عربی دهم (عمومی)

الدَّرْسُ الثَّمَانِ

همان‌طور که می‌دانید در عربی با تغییر وزن کلمات معنی آن‌ها نیز تغییر می‌کند. در این درس با وزن‌های مهم، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه آشنا می‌شوید:

اسم فاعل

معادل صفت فاعلی در زبان فارسی است و برحسب نوع فعل بر دو قسم است:

از ثلاثی مجرد ← بر وزن **فاعل** ساخته می‌شود.

عَلِمَ ← عَالِمٌ (دانا)

اسم فاعل

- از ثلاثی مزید
- ۱- مضارع را می‌نویسیم.
 - ۲- حرف مضارعه را حذف می‌کنیم و جای آن مِ می‌گذاریم.
 - ۳- عین‌الفعل را مکسور (ـِ) می‌کنیم.

عَلَّمَ ← يُعَلِّمُ ← مُعَلِّمٌ (یاد دهنده - آموزگار)

اسم مفعول

معادل صفت مفعولی در زبان فارسی است و برحسب نوع فعل بر دو قسم است:

از ثلاثی مجرد ← بر وزن **مفعول** ساخته می‌شود.

عَلِمَ ← مَعْلُومٌ (آشکار)

اسم مفعول

- از ثلاثی مزید
- ۱- مضارع را می‌نویسیم.
 - ۲- حرف مضارعه را حذف کرده جای آن مِ می‌گذاریم.
 - ۳- عین‌الفعل را مفتوح (ـَ) می‌کنیم.

عَلَّمَ ← يُعَلِّمُ ← مُعَلِّمٌ (یاد گیرنده - شاگرد)

اسم مبالغة

که دلالت بر بسیاری صفت دارد و وزن‌های متعددی دارد که دو تای آن‌ها را می‌خوانیم:

فَعَّالٌ ← تَوَّابٌ (بسیار توبه کننده) - عَلَّامٌ (بسیار دانا) - عَمَّارٌ (بسیار عمر کننده)

فَعَّالَةٌ ← تَوَّابَةٌ (بسیار توبه کننده) - عَلَّامَةٌ (بسیار دانا) و ...

گاهی این دو وزن به معنی شغل (حَبَّاز: نانوا) و یا ابزار (نَظَّارَةٌ: عینک) هم هستند.

در عربی با تغییر وزن کلمات معنای آن نیز تغییر می‌کند. در آخرین درس از عربی با وزن‌های مهم اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه آشنا شدید. در این درس با دو وزن دیگر نیز آشنا می‌شوید:

برای مذکر ← بر وزن **أَفْعَل** ← **أَكْبَر** - **أَعْظَم** و...
برای مؤنث ← بر وزن **فُعَلَى** ← **كُبْرَى** - **عُظْمَى** و...

۱. اسم تفضیل

اسم تفضیل معادل صفت تفضیلی (تر) یا صفت عالی (ترین) در فارسی می‌باشد.
أَكْبَر - **كُبْرَى** ← بزرگ‌تر - بزرگ‌ترین
گاهی اسم تفضیل تغییر شکل می‌دهد و بر وزن **أَفْعَى** و **أَفْعَى** نیز ظاهر می‌شود.
أَشَدَّ (شدیدتر - شدیدترین) - **أَعْلَى** (بلندتر - بلندترین)
اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» در جمع مکسر بر وزن «أَفَاعِل» است:
أَكْبَر ← مفرد: **أَكْبَر** **أَفْضَل** ← مفرد: **أَفْضَل**
اگر پس از اسم تفضیل حرف جر «مِن» بیاید، اسم تفضیل به صورت «تر» و در غیر این صورت به صورت «ترین» ترجمه می‌شود.
دو اسم «خَيْر» و «شَر» اگر به معنی «تر» یا «ترین» باشند (خوب‌تر یا خوب‌ترین - بدتر یا بدترین) اسم تفضیل‌اند.

مَفْعَل ← مَكْتَب - مَطْبَخ - مَشْهَد
مَفْعَل ← مَشْرِق - مَسْجِد - مَغْرِب
مَفْعَلَة ← مَكْتَبَة - مَزْرَعَة - مَدْرَسَة

۲. اسم مکان

اسم مکان دلالت بر محل و مکان انجام یک کار دارد:

مَطْبَخ (محلّ طبخ و آشپزی) = آشپزخانه

اسامی مکان غالباً بر وزن مفاعِل جمع بسته می‌شوند:

مَسَاجِد - مَزَارِع - مَقَابِر و...



الدّرسُ الثّاني

«اگر درس بخوانی قبول می شوی!» این یک جمله شرطیه است. در عربی نیز مانند این جملات وجود دارند و دارای یک ساختار سه جزئی می باشند:

جواب شرط	فعل شرط	ادات شرط
فعل ماضی	فعل ماضی	إِنْ (اگر - چنانچه)
فعل مضارع مجزوم	فعل مضارع مجزوم	مَنْ (هرکس - هرکه)
جمله اسمیه		ما (هرچیز - هرچه)
		إِذَا (اگر - هرگاه)

فعل شرط هرچه باشد به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود و جواب شرط نیز هرچه باشد به صورت مضارع اخباری ترجمه می شود:

مثال: مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيراً يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ!

فعل شرط جواب شرط

(هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می رسد)

فعل شرط جواب شرط

اگر جواب شرط جمله اسمیه باشد در ابتدای آن به مبتدا حرف «فَ» می چسبند:

مثال: مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ. (هر کسی بر خدا توکل کند، او برایش بس است)

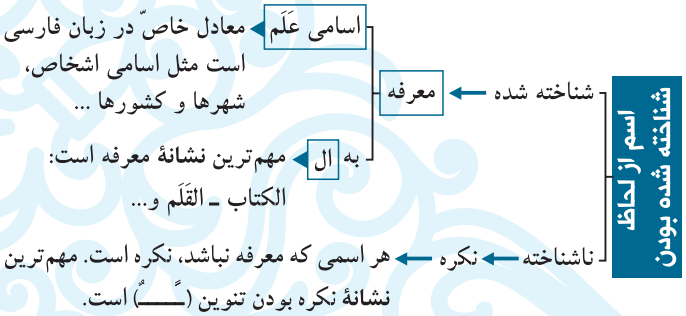
فعل شرط جواب شرط

ادات شرط «إِذَا» تغییری در آخر مضارع ایجاد نمی کند، یعنی آن را مجزوم نمی کند!

مثال: إِذَا تَجْتَهَدُ تُنْجَحْ. (اگر / هرگاه تلاش کنی، موفق می شوی.)

خلاصه قواعد عربی یا زهم (عمومی)

﴿ هرگاه می‌گوئیم «یک کتاب خواندم.» معلوم نیست کدام کتاب است. اما وقتی می‌گوئیم «کتاب را خواندم.» حالا معلوم است کدام کتاب است. در واقع در مثال اول، کتاب ناشناخته بود و در مثال دوم «کتاب» شناخته بود! در عربی نیز اسامی از لحاظ شناخته شده بودن به دو قسمت تقسیم می‌شود که در نمودار زیر آمده است:



﴿ اسامی عَلم اگر «ال» بگیرند، معرفه به ال (ذواللام) نیستند: الحُسن (معرفه عَلم است) هر اسمی که تنوین بگیرد نکره است مگر این که عَلم باشد: تلمیذٌ (نکره است) علیٌّ (معرفه است و عَلم) در ترجمه اسامی نکره از «ی» و یا «یک» و یا هر دوی آن‌ها استفاده می‌شود:

رأیت تلمیذاً

دانش آموزی را دیدم!
یک دانش آموز را دیدم!
یک دانش آموزی را دیدم!

﴿ اگر یک اسم در جمله به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره با «ال» به کار رود، در ترجمه قبل از آن از «این» یا «آن» می‌توان استفاده می‌شود: مثال: قرأتُ کتاباً، کان الکتابُ مفیداً. ← کتابی خواندم، آن کتاب مفید بود. ﴿ اگر خیر، نکره باشد، معرفه ترجمه می‌شود: (العِلمُ کَنزٌ: دانش گنج است) نکره معرفه

مگر این که خبر نکره، صفت داشته باشد.

الدّرسُ الرَّابِعُ 

للهِ أوّل از همه باید بدانید که در عربی هر «فعل» یک جمله است و گاهی یک فعل یعنی همان جمله پس از یک اسم نکره می‌آید و به توصیف آن می‌پردازد (جملهٔ وصفیّة). این فعل بسته به فعل قبل از خود ترجمهٔ متفاوتی خواهد داشت و به سه حالت کلی است:

حالت ۱



قَرَأْتُ كِتَابًا يُسَاعِدُنِي فِي الْعَرَبِيَّةِ. (کتابی خواندم که مرا در عربی کمک می‌کرد.)
 ماضی نکره مضارع
 ماضی استمراری

حالت ۲



أَقْرَأُ كِتَابًا يُسَاعِدُنِي فِي الْعَرَبِيَّةِ. (کتابی می‌خوانم که مرا در عربی کمک بکند.)
 مضارع نکره مضارع
 مضارع التزامی

حالت ۳



قَرَأْتُ كِتَابًا سَاعِدُنِي فِي الْعَرَبِيَّةِ. (کتابی خواندم که مرا در عربی کمک کرد / کرده بود.)
 ماضی نکره ماضی
 ماضی ساده ماضی بعید

للهِ همان‌طور که در مثال‌های فوق می‌بینید در ترجمهٔ جملهٔ بعد از نکره (جملهٔ وصفیّة) از حرف «که» استفاده می‌شود.

خلاصه قواعد عربی یا زهم (عمومی)

گاهی اوقات حروفی بر سر فعل مضارع می آیند و تغییراتی را در ظاهر فعل و معنی آن ایجاد می کنند. در این درس با برخی از آنها آشنا می شویم و در درس بعدی با برخی دیگر. تغییری که این حروف در ظاهر مضارع ایجاد می کنند منصوب بودن است. فعل های مضارع به سه صورت منصوب می شوند:

(۱) اگر فعل مضارع آخر خود (أُ) داشته باشد ← تبدیل به (اَ) می شود.

(۲) اگر فعل مضارع جمع مؤنث باشد ← تغییری نمی کند.

(۳) در سایر صیغه ها ← نون از آخر فعل حذف می شود.

خلاصه قواعد عربی یازدهم (عمومی)

حروف ناصبة^۱ + مضارع مرفوع ← مضارع منصوب

أَنْ (که) كِي (تا - برای این که) لَ (تا - برای این که) لِكِي (تا - برای این که) حَتَّى (تا - برای این که) لَنْ (مستقبل منفی)

این حروف وقتی بر سر فعل مضارع بیایند علاوه بر تغییر در ظاهر فعل، موجب می شوند تا فعل به صورت مضارع التزامی ترجمه شود. البته «لَنْ» این طور نیست و مضارع را تبدیل به مستقبل منفی می نماید.

يَذْهَبُ ← كَي يَذْهَبُ (تا برود)

كِي + يَذْهَبْنَ ← كَي يَذْهَبْنَ (تا بروند)

يَذْهَبُونَ ← كَي يَذْهَبُوا (تا بروند)

أَذْهَبُ ← لَنْ أَذْهَبُ (نخواهم رفت)

لَنْ + تَذْهَبْنَ ← لَنْ تَذْهَبْنَ (نخواهید رفت)

تَذْهَبِينَ ← لَنْ تَذْهَبِينَ (نخواهی رفت)

۱ اصطلاح حروف ناصبه و منصوب شدن فراتر از کتاب درسی است و برای فهم بیشتر آمده است!

الدرس السادس



در درس قبل با حروفی آشنا شدید که شکل ظاهری و ترجمه فعل مضارع را تغییر می‌دهند. در این درس با گروهی دیگر از حروف آشنا می‌شوید که همین ویژگی‌ها را دارند:

حروف جازمه

لای ناهیه (دستوری منفی)
لَمْ (گذشته منفی)
لَ (باید + مضارع التزامی)
لَمَّا (ماضی نقلی منفی)

+ مضارع مرفوع ← مضارع مجزوم

فعل مضارع به سه روش مرفوع است و به سه روش منصوب است و به سه روش نیز مجزوم می‌شود:

- اگر آخر فعل مضارع (سُ) باشد ← تبدیل به (سَتْ) می‌شود.
 - اگر مضارع جمع مؤنث باشد ← تغییری نمی‌کند.
 - در سایر صیغه‌ها ← نون از آخر فعل حذف می‌شود.
- مثال:

يَذْهَبُ ← لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)

يَذْهَبْنَ ← لَمْ يَذْهَبْنَ (نرفتند)

يَذْهَبُونَ ← لَمْ يَذْهَبُوا (نرفتند)

+ لَمْ

«لِ» در حروف فوق (لام جازمه) بر سر فعل‌های مخاطب نمی‌آید:

أَذْهَبُ ← لِأَذْهَبْ (باید بروم)

يَذْهَبْنَ ← لِيَذْهَبْنَ (باید بروند)

يَذْهَبَانِ ← لِيَذْهَبَا (باید بروند)

+ لِ

و اما یک نکته مهم:

حرف جرّ (جَارَةٌ) ← لِ + اسم ← به معنی: برای - به - داشتن

حرف نَصْب (نَاصِبَةٌ) ← لِ + مضارع منصوب ← تا + مضارع التزامی

حرف جَزْم (جَازِمَةٌ) ← لِ + مضارع مجزوم ← باید + مضارع التزامی

خلاصه قواعد عربی یازدهم (عمومی)

همان‌طور که می‌دانید یک جمله اسمیه از دو رکن اساسی تشکیل شده است.
(۱) مبتدا، (۲) خبر، که هر دوی این‌ها همواره مرفوع‌اند.
گاهی بر سر این جملات اسمیه فعل‌هایی می‌آیند که در شکل ظاهری جمله تغییر ایجاد می‌کنند و معنی جمله را تغییر می‌دهند. به این فعل‌ها «أفعال ناقصة» می‌گویند که عبارتند از:

- أفعال ناقصة
- ← **كَانَ** به معنی «بود» می‌باشد و فعل کمکی ماضی بعید و استمراری است!
 - ← **صَارَ** به معنی «شد» و «گشت» می‌باشد.
 - ← **أَصْبَحَ** مانند **صَارَ** به معنی «شد» و «گشت» می‌باشد.
 - ← **لَيْسَ** به معنی «نیست» می‌باشد.

أفعال ناقصة به جز «لَيْسَ» همگی در مضارع نیز صرف می‌شوند:

- **كَانَ** ← يَكُونُ - يَكُونَانِ - يَكُونُونَ ... أَكُونُ - نَكُونُ
 - **صَارَ** ← يَصِيرُ - يَصِيرَانِ - يَصِيرُونَ ... أَصِيرُ - نَصِيرُ
 - **أَصْبَحَ** ← يُصْبِحُ - يُصْبِحَانِ - يُصْبِحُونَ ... أَصْبِحُ - نَصْبِحُ
- وقتی افعال ناقصه بر سر جمله اسمیه می‌آیند خبر را منصوب می‌کنند.^۲

الكتاب مفيداً ← كان الكتاب مفيداً

كان بر سر دو حرف «لِ» و «عِنْدَ» به معنی «داشت» است:

كان عِنْدِي كتابٌ = كان لِي كتابٌ = کتابی داشتم.

«كُنْ» به معنی «باش» فعل أمر از «كان» است.

«أَصْبَحَ» تنها فعل ناقصه است که از ثلاثی مزید می‌باشد.

^۲ بحث منصوب شدن خبر فراتر از مباحث کتاب درسی است!

الدّرسُ الأوّلُ

قبلاً با افعال ناقصه آشنا شده بودید. این افعال بر سر جمله اسمیه می آمدند و تغییراتی را در معنی جمله و البته مبتدا و خبر ایجاد می کردند. در این جا با دو گروه دیگر از این کلمات آشنا خواهید شد.

حروف مشبّهةٌ بالفعل

حرف	ترجمه	توضیح
إِنَّ	قطعاً - همانا - بی گمان	برای تأکید جمله پس از خود است.
أَنَّ	که	دو جمله را به هم پیوند می دهد.
كَأَنَّ	گویی - مانند	برای تشبیه به کار می رود.
لَكِنَّ	ولی	برای کامل کردن پیام و بر طرف کردن ابهام است.
لَعَلَّ	شاید - امید است	برای بیان امید به کاری به کار می رود.
لَيْتَ	کاش	بیانگر آرزو است و به صورت «یا لیت» نیز می آید.

این حروف مبتدا را منصوب می کند.

اللهُ عَلِيمٌ. (خدا دانا است) ← إِنَّ اللهُ عَلِيمٌ. (بی گمان خدا دانا است)

لای نفی جنس

بر سر جمله اسمیه می آید و عملکردی شبیه حروف مشبّهه دارد.

اسمی که پس از لای نفی جنس می آید، ال و تنوین نمی گیرد و همواره نکره است و غالباً در آخر خود فتحه (ـَ) دارد.

لای نفی جنس به صورت «هیچ نیست» ترجمه می شود.

لا تلميذَ في الصَّفِّ. ← هیچ دانش آموزی در کلاس نیست.

خلاصه قواعد عربی دوازدهم (عمومی)

﴿﴾ در زبان فارسی به اسمی که حالت و چگونگی فردی یا چیزی را در جمله نشان می‌دهد «قید حالت» می‌گویند. در عربی نیز چنین نقشی وجود دارد که به آن «حال» می‌گویند. حال در عربی بر دو نوع می‌باشد.

به صورت یک اسم نکره و منصوب ← جاء التلميذُ ضاحكاً
(دانش‌آموز خندان / با خنده آمد.)

حال

به صورت جمله اسمیه با ساختار و + هو، هما، ... + خبر
جاء التلميذُ و هو ضاحكٌ. (دانش‌آموز درحالی که خندان بود آمد.)

﴿﴾ به اسمی که حال، حالت و چگونگی آن را نشان می‌دهد مرجع حال می‌گویند که در مثال‌های بالا «التلميذ» است.

﴿﴾ مرجع حال باید معرفه باشد و محلّ اعرابی متفاوتی دارد (فاعل، مفعول و ...)

﴿﴾ حال باید از لحاظ جنس و عدد با مرجع حال مطابقت کند.

جاء التلميذُ ضاحكاً. جاء التلاميذُ ضاحكينَ.

﴿﴾ اگر حال یک اسم نکره منصوب باشد، باید آن را به صورت قید حالت ترجمه کرد.

﴿﴾ اگر حال جمله اسمیه باشد، باید در ترجمه آن از عبارت «درحالی که» استفاده کرد.

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

در زبان فارسی هرگاه بخواهیم کسی را و یا شخصی را از گروهی جدا کنیم از دو کلمه «جَز» و «مِگَر» استفاده می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم: «همه دانش‌آموزان آمدند جز محمد» در عربی نیز این ساختار وجود دارد و از سه جزء تشکیل می‌شود:

مستثنی منه ← جمع و گروهی است که فردی از آن جدا می‌شود. (همه دانش‌آموزان)

ادات استثناء ← ابزار ساختن استثناء است (جز، مگر) که در عربی «إِلَّا» می‌آید.

مستثنی ← اسمی است که جدا می‌شود (محمد) که در عربی پس از «إِلَّا» می‌آید.

مثال: كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ.
مستثنی منه ادات استثناء مستثنی

اگر مستثنی منه در جمله قبل از إِلَّا بیاید، مستثنی همواره منصوب است.

أَسْلُوبُ الْحَضَرِ

اگر جمله‌ای منفی باشد (ما - لا - لیس - لَنْ - لَمْ) و در آن مستثنی منه نیامده باشد اسلوب حَضَر ایجاد شده است یعنی این که چیزی را به کسی یا موضوعی اختصاص می‌دهیم. در اسلوب حَضَر می‌توان جمله را مثبت و تأکیدی نیز ترجمه نمود.

فقط محمد را دیدم!

ما شاهدتُ إلاَّ محمدًا

کسی را جز محمد ندیدم!

خلاصه قواعد عربی دوازدهم (عمومی)

مفعول مطلق نقشی در جمله است که برای تأکید یا برای بیان حالت و چگونگی وقوع فعل در جمله به کار می‌رود. مفعول مطلق باید دارای سه شرط زیر باشد:

- ۱ مصدر باشد
- ۲ از جنس فعل جمله باشد (هم ریشه)
- ۳ منصوب باشد

مفعول مطلق در عربی بر دو نوع است:



در ترجمه مفعول مطلق تأکیدی از قیدهای تأکیدی (قطعاً - بی‌شک - حتماً - بی‌گمان) استفاده می‌شود.

إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِعْفَارًا. ← از خدا بی‌گمان آمرزش خواستم.

در ترجمه مفعول مطلق نوعی که پس از آن صفت می‌آید، آن صفت به صورت قیدی برای فعل ترجمه می‌شود:

إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِعْفَارًا صَادِقًا. ← از خدا صادقانه آمرزش خواستم.

در ترجمه مفعول مطلق نوعی که پس از آن مضاف‌الیه می‌آید از «مثل»، «مانند» و «هم‌چون» استفاده می‌شود.

إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِعْفَارَ الصَّالِحِينَ. ← از خدا مانند درستکاران آمرزش خواستم.

جهت دانلود جزوه های بیشتر
پایه دهم یازدهم و دوازدهم
آیدی زیر را در تلگرام سرچ کنید
و به کانال ما بپیوندید

id  @DaneshSad

جهت دسترسی به جزوه های بیشتر

آیدی ذیل را در تلگرام سرچ کنید



id  @PaneshSad